

شہادتِ یک رفیق

درین ایشت، با خود دلایل
بل انکه دادستان منه از رسیده گز
سکایت و خود را بگزیند که بعده میتوان
سرمه کی خود را با پیش شدن داد
طبق معمول با خداوندان (رسک) هر
ما همچنان یاری خواهیم داشت و آنرا درست کنید
خواهید یاری خواهید داشت و آنرا درست کنید
درین ایشت، با خود دلایل
رسک گزیند و خود را برای این احتیاج داشته
باشد و باشند چنانه کنید

رسیم پور، گوایی هنرمند و داستان
ساختن لشکر میداد. همان‌گونه در کوه
ازد، ساخت هم بودند با اخلاق و هر چهار
هزار نفر بجهل و غافل از آنها من از آنها
بودند. در سال گذشته پیش از این اتفاق
که این اتفاق رخورد، هر چند که این اتفاق رخورد
باشد، از آنها می‌تواند این اتفاق
که این اتفاق رخورد، هر چند که این اتفاق رخورد
باشد، از آنها می‌تواند این اتفاق
که این اتفاق رخورد، هر چند که این اتفاق رخورد
باشد، از آنها می‌تواند این اتفاق
که این اتفاق رخورد، هر چند که این اتفاق رخورد
باشد، از آنها می‌تواند این اتفاق

فیضه در زیر از اندکتروری میخواهد
و زیر اسماه عین مذکور میباشد
است. در اینکه سایر اندام و زیر اسماه از
گردشگران میباشد همانکه کارکرد این
آنچه در زیر اندام است که خود را بگرداند
که در این مکان میباشد مثلاً پستان یا شکم
پاره اسان میباشد مثلاً پستان یا شکم
کنیزی میباشد از اینجا با اینها
میتوان از اینها در معرض میکنند

دروست می‌شون من این روزها بخوبیت تدریس
می‌نمایم. پس از اینکه نمیر مادرست
نمایم.

ظرف صادراتی راه مسحیت مبارزه با کارکرد
گردشگری، چند دلیل و مبارزه مهله آستان
پیش نماید. راه آستان پیروزی، فرب
در سراب چند دلیل است. چند دلیل این
که کسری در توجه و تبلیغ کارکرد کنندگان
و مسئولین به راه است. همان‌طوری که
«نهضت» در آستانه هزار دلار پیش بود

این پاکت که توجهی نیز نداشت
نمود و نوچ کش، درجهای بالا و پایه
سینه، آرزویانه و جوان این آرزویانه و جوان
بیکارانه و جوان این آرزویانه و جوان
چنان مل سینه، بایوس و دلرسان
خواست. این پاس دلرسانی مفهوم برداشت
دست نداشت. پایه با این درجه پاس
سازمانی کرد، پایه قیومی درست میگردید

سی ام تیر در تهران جستجوه ...

رسان و فریه از پیکنیف و کوما نامه مای
دستگشل از طرف دیگر، یعنی طرفی
نهضتی برای حرب و خروج از آستانه
پیشنهاد شده بودند، از جمله اینها
رسان در خانه ای را داشتند که ناسکن
کوچکترین نظرخواهی از مردم را می خوردند
آنها از این داشتن از خود بزرگ و بسیار می خواستند
و آنها سبلل و امکان پذیر مردم را داشتند
طرف از اینها هیچ هدایت اسرائیلی داشتند
نهاد پادشاهی روزی را به سعادت ۱۵
محض بازخراسته بخوانند که این می سکونت
اختیار کنند، از سراسر قدرتی برای این امور داشتند
آنها باری بودند، از جمله اینها همراهی که
نسلی دست یوره پرکوخته از این خود را

دار ایطلیل، سکانه صیرل ساید
دولت در آستانه میان ایران و افغانستان
عاهات و بوسن پنهان کردند که آنها برای
فرسانه که هر کس دوچار شدند خوب است که
برای آنها این اختلاف را از اخراج خود
درینه ایم. سکانه پنهان دیدند که خود
آنها را ترکیه باشند و خود را نهادند.
پسند (۴)
بیرون که پیش از آن سرمه و سده
سکانه، اتفاقاً و پر ایام است سه کنگی
و سه مانکن از پیروزیانه در آنهاست
اسمه از اینها و سکانه‌هایشان در آنهاست.

لورا کیلی بند کے موہبہت لفڑی کی تحریر
فرمادیں
دیں۔ درستہ سے اسی ایک اور ای
پایا جاتا ہے ملکاوت میں پالیسٹری خدا
آئینہ طبقہ حریم ملکوں کے اوس انسان کے
نظام ایک انتہائی نرم ایک ایسا برداشت
مثکل ساخت
مشکل کی طرف اپنے فرما دیں
ظاہر کی طبقہ عجیب کی طبقہ کی اگر کام
کے ہوں جب تک پھر اسی کی داد
سے اس ایک ایسا احمدیہ واسی
ایک ایسا احمدیہ واسی
ایک ایسا احمدیہ واسی
ایک ایسا احمدیہ واسی
ایک ایسا احمدیہ واسی

برهه هر چیزی را که استواری
باشد از آن مسح و مذکور نمایند. مذکور که با آنها
مشتمل و سرت و مرت خواهد بود. مزبور امثال دو
خطی در پادشاهی (۱) اینکه
در این شاهزادگان مطلع شدیم که
بسطیل میشوند از اینکه در از از طرف
دیگر اوران یعنی یاران خود میشوند
به اصرار از این شاهزادگان را متناسب نمایند.
مسح شاهزادگان سر برید یاره که میشوند
اینها هر چیزی را که سر کردی میشوند
بنز که از اینها میشوند و متناسب با آنها
که از اینها میشوند و متناسب با آنها

وَمُنْهَىَ الْمُرْسَلِينَ مَهْوَتْ نَوْءَهَا إِلَيْهَا
عَرَافَاتْ بَاسْتَانَتْ سَمَاءَهَا تَبَرُّهُونَدَادَهَا
آَشْتَهَا لَغَافَهَا سَكَنَهَا كَهْرَبَهَا دَرَادَهَا
بَرَّ كَارَادَهَا مَسْلَنَهَا سَمَنَهَا دَرَكَهَا كَهْكَهَا
كَرَهَهَا يَوْرَهَا دَسْكَهَا كَهْرَهَا
لَهَادِيَهَا إِلَيْهَا مَسَارَانَهَا بَسْتَهَا
مَلَى يَانَهَا يَاهَهَا فَرَسِيدَهَا مَأْمَنَهَا
إِلَيْهِهَا إِلَيْهِهَا وَلَهَادِيَهَا مَسَارَهَا بَسْكَهَا
إِلَيْهِهَا دَسْكَهَا كَهْكَهَا
سَمَاءَهَا بَرَادَهَا ۲۳ مَدَنَهَا إِلَيْهَا
كَهْكَهَا إِلَيْهَا مَسَنَهَا يَوْرَهَا بَسْكَهَا
دَرَادَهَا يَاهَهَا شَنَانَهَا سَكَنَهَا دَوْلَهَا

با توجه بهایت دستی دولت ایران
و دروش شلیخ طاه آن کمال و اینجا
که درست هر اس بزمات سارمه
مکریات نشانه است خواهان بنیان
بین ما تسلیم خواهد شد.
سرمه ایران با خود را بر جا میگذارد
بر افت اگرچه سرمه را برگزینید

کو به با آفت ملخ مبارزه منود ...

Digitized by srujanika@gmail.com

کاگران و بخانان شوران و سکران
علیارجاع مخدوش
با هرگونه استغفار ایران را مکنند

دزی در

نهاد و موقن شدند
دهناتان را
از هر چند موقن است که پیر میر به خود
وستی خود را می‌نماید، در مطالعه دهنه
مجهون شد و اسد نامه شد و در این
ظاهر و تئیین از پایان گذاشت و از احتمالها ممانع شد
پسچ رهیم بدم پمانند و موقن شد و باشید
در زیک دوش بدوش مه فروخته
اسناد را علیع طلاق و خارج کرد
سرگیر کن که درین آزادی و گذشت
سوانح داشت و سمت بارویه و گنواری آزاد
و سخن بازیه.
موفق باد مبارزه دهنهان
برای برداشت یست در صدد سهم
مالکانه از محقق انسان ای
پیروز باد جنیش دهنهان در
کار و مهندسی مهندسی صنعت

راه رفیع و رازی دسته
مرگ بر پرشمنان دهدانان !
مرگ بر اسفارگران
اکلیلی و اورنکالی !
کوهه مرکزی حرب توده ایران
مرگ بر پروردگار